

جهاد ابتدایی از منظر مفسران معاصر با تأکید بر آثار آیت‌الله جوادی آملی

علی غفارزاده*

چکیده

جهاد ابتدایی یکی از مباحث چالش‌برانگیز در فرهنگ اسلامی به‌شمار می‌رود. مفسران قرآن کریم نیز در کنار سایر محققان مسلمان به واکاوی آیات مشعر به جهاد ابتدایی پرداخته و مؤلفه‌های مختلف آن را تبیین کرده‌اند. در این میان می‌توان دیدگاه‌های مفسران معاصر را در چهار گروه دسته‌بندی کرد: بیان نکات کلی آیه و عدم اشاره به حکم کلی جهاد یا انواع آن؛ محدود نمودن حکم جهاد به دفاع. یادکرد از مفاد جهاد ابتدایی و مؤلفه‌های آن با تعابیر دیگر؛ به‌کارگیری اصطلاح «جهاد ابتدایی» و بیان مؤلفه‌های آن. آیت‌الله جوادی آملی معتقد است که جهاد ابتدایی با اینکه در حقیقت به دفاع از حق حیات معنوی انسان بازمی‌گردد، اما حق جنگ‌های به‌ظاهر تهاجمی و ابتدایی برای مسلمانان در عصر غیبت محفوظ است. بر پایه بررسی دیدگاه وی می‌توان گفت که استکبارورزی کافران و مشرکان، لزوم انگیزه الهی جهادگران، توسعه اسلام براساس عقلانیت و اختیار و لزوم اذن ولیّ فقیه جامع‌الشرایط از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در حکم و تبیین زوایای بحث جهاد ابتدایی به‌شمار می‌روند. توجه به این نکات پاسخگوی بسیاری از شبهات در زمینه این حکم الهی خواهد بود.

واژگان کلیدی

جهاد ابتدایی، آیت‌الله جوادی آملی، حیات انسانی، استکبارورزی، دفاع مشروع.

طرح مسئله

جهاد در اسلام از جمله مباحثی است که از دیرباز مورد توجه متفکران مسلمان و غیرمسلمان بوده است. در این میان «جهاد ابتدایی» یکی از زیرمجموعه‌های چالش برانگیز آن است که از منظر فقهی، تاریخی و تفسیری مورد توجه قرار گرفته است. فقیهان براساس حوزه پژوهشی خود به بررسی وجوب، جواز یا عدم جواز جهاد ابتدایی و شرایط آن پرداخته‌اند.^۱ اما مفسران براساس آیات قرآن نگاه فراگیرتری داشته و به ماهیت جهاد ابتدایی، حکمت و آثار تشریح آن و دیگر مؤلفه‌هایش نیز پرداخته‌اند. ابهامات و شبهات متعددی که همواره درباره این حکم الهی مطرح است، باعث شده که آنان انگیزه و تلاش فزون تری در راستای واکاوی عمیق تر آیات مرتبط و پاسخ‌گویی به این شبهات داشته باشند. به طور ویژه در دو سده اخیر چالش‌هایی همچون تعارض جهاد ابتدایی با آزادی عقیده، گسترش اسلام با شمشیر، ترویج اسلام هراسی براساس تئوری موهوم جنگ مقدس، شماری از مفسران معاصر را بر آن داشته تا در ضمن تفسیر آیات جهاد به این نکات نیز توجه نموده و دیدگاه قرآن کریم درباره هریک از آنها را تبیین کنند.

براساس آنچه گفته شد، این مقاله بر آن است تا ابتدا با تمرکز بر برجسته‌ترین تفاسیر معاصر، دیدگاه کلی آنان را درباره ماهیت جهاد ابتدایی و مهم‌ترین مؤلفه‌های آن جمع‌آوری و دسته‌بندی کند و سپس دیدگاه تفسیری آیت الله جوادی آملی را به‌طور ویژه مورد بررسی و مذاقه قرار دهد. علت این انتخاب، برخی نکات ظریف، راهگشا و نوآورانه‌ای است که استاد جوادی آملی در تبیین زوایای بحث جهاد ابتدایی به آنها توجه داشته و به تفصیل در آثار خود عرضه کرده است.

معنای لغوی جهاد

واژه «جهاد» مصدر باب مفاعله از ماده جهد است. واژه‌شناسان اصل این ماده را به معنای مشقت^۲ یا طاقت و مشقت^۳ در نظر گرفته‌اند. براین اساس واژه «جهاد» و «مجاهده» به معنای به کار بستن نهایت

۱. گفتنی است که در میان فقیهان شیعه، سه دیدگاه درباره حکم جهاد ابتدایی مطرح شده است. ۱. وجوب کفایی جهاد ابتدایی تنها با اذن امام معصوم علیه السلام؛ (ر.ک: طوسی، *المبسوط فی فقه الامامیه*، ج ۱، ص ۵۴۱؛ ابن‌ادریس (به نقل از *سلسله البیایع الفقهیه*، ج ۹، ص ۱۷۵)؛ شهید ثانی، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیه*، ج ۱، ص ۴۳۷؛ شیخ انصاری، *صراط النجاة*، ص ۲۶۸. ۲) جواز جهاد ابتدایی در عصر غیبت با اذن فقیه عادل جامع شرایط (ر.ک: خویی، *التنقیح فی شرح العروة الوثقی*، ج ۱، ص ۱۵؛ روحانی، *فقه الصادق*، ج ۱۳، ص ۳۴؛ فضل‌الله، *من وحی القرآن*، ص ۱۳۹، ۳) عدم جواز جهاد ابتدایی به صورت مطلق. (ر.ک: صالحی نجف‌آبادی، *جهاد در اسلام*، ص ۱۵)

۲. ابن‌فارس، *معجم مقاییس اللغة*، ج ۱، ص ۴۸۶.

۳. جوهری، *الصاحح*، ج ۲، ص ۴۶۰؛ راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ القرآن*، ص ۲۰۸.

جهاد ابتدایی از منظر مفسران معاصر با تأکید بر آثار آیت‌الله جوادی آملی □ ۱۰۱

کوشش در برابر دشمن است. جالب توجه اینکه راغب اصفهانی جهاد را به سه دسته تقسیم کرده است: ۱. جهاد در مقابل دشمن ظاهری؛ ۲. جهاد با شیطان؛ ۳. جهاد با نفس.^۱

معنای اصطلاحی جهاد

جهاد، عنوان یکی از فروع دین اسلام و یکی از ارکان عبادی است. برجسته‌ترین نمود کاربردی این اصطلاح، در فقه اسلامی یافت می‌شود. به‌طور کلی می‌توان گفت که اصطلاح «جهاد»، شامل سه معناست:

۱. معنای عام: هر کوششی که در راه اعتلای کلمه حق انجام گیرد؛ چه به صورت نظامی باشد یا غیرنظامی. برای نمونه در کتاب جنگ و صلح در قانون اسلام آمده است: «معنی فقاهتی و قضایی جهاد عبارتست از بذل جهد و صرف کوشش فرد در راه خدا؛ یعنی تبلیغ ایمان و نشر فکر خداپرستی و اعتلای کلمه حق در جهان».^۲

۲. معنای خاص: کوشش نظامی در راه اعتلای کلمه حق که جنبه دفاعی یا ابتدایی داشته باشد. طبق این تعریف، جهاد در راه خدا به دو گونه تقسیم می‌شود: الف) جهاد دفاعی: شهید ثانی درباره این نوع از جهاد چنین گفته است: «جهاد با کفاری که به مسلمانان تجاوز کنند، به‌گونه‌ای که احتمال تسلط آنها بر مسلمانان داده شود یا بخواهند سرزمینشان را تصرف کنند و یا سرمایه‌های مادی آنان را، هرچند اندک، تصاحب کنند، واجب است».^۳ این نوع از جهاد بدون هیچ شرطی واجب است. ب) جهاد ابتدایی: آغاز حمله نظامی از سوی ملت اسلام، که دارای شرایطی است.

۳. معنای اخص: کوشش و کارزار ابتدایی در راه اعتلای کلمه حق. در اصطلاح فقهی، غالباً این معنای جهاد مد نظر است.^۴

گستره جهاد از منظر آیات قرآن کریم

ماده «جهاد» و مشتقات آن ۴۱ بار و در ۳۶ آیه قرآن کریم به کار رفته است که ۸ مورد از کاربردهای آن تنها براساس معنای لغوی بوده و ارتباطی با جهاد به عنوان یکی از فروع اسلامی ندارد. در میان موارد باقی‌مانده، جهاد و مشتقات آن با همنشین‌هایی از جمله «فی سبیل الله»، «اموال و انفس»، «فی سبیل»، «فی سبیلی»، «فی الله» و «فینا» همراه شده و در برخی موارد نیز به صورت مطلق آمده است.

۱. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۰۸.

۲. خذوری، جنگ و صلح در قانون اسلام، ص ۸۵.

۳. شهیدثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۱، ص ۴۳۷.

۴. خرمشاهی، صدر حاج سید جوادی و ...، دائرة المعارف تشیع، ص ۵۳۳ - ۵۳۲.

براساس این همنشین‌ها می‌توان گفت که مفهوم جهاد در قرآن کریم، گستره‌ای فراتر از جهاد اصطلاحی، یعنی مقابله (جنگ) با دشمنان بیرونی، داشته و بیانگر ذومراتب بودن جهاد است. چنان‌که طبرسی ذیل آیه «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» مطرح کرده، اکثر مفسران جهاد را بر تمام اعمال مطیعانه و خالصانه برای خداوند حمل کرده‌اند.^۱ علامه طباطبایی نیز بیان کرده که اگرچه جهاد غالباً بر جدال با دشمنان اطلاق می‌شود، اما اگر معنای دشمن (عدو) را موسّع در نظر گرفته و آن را بر همه اموری که امکان شر رساندن آن وجود دارد، اطلاق کنیم، به شکلی که اموری همچون شیطان و نفس اماره را هم شامل شود، در نتیجه جهاد مشتمل بر مقابله با وسوسه‌های شیطان و هواهای نفسانی نیز می‌شود؛ به‌ویژه اینکه در آیه مذکور با تعبیر «فی الله» همراه شده و عمومیت را می‌رساند. همچنان‌که در آیه «وَالَّذِينَ جَاهِدُوا فِيْنَا لِنَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا»^۲ نیز همین مفهوم مطرح شده است.^۳ آیت الله جوادی آملی نیز در ذیل آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۴ بر این باور است که جهاد دارای درجات است و «جهاد فی سبیل الله» که در این آیه عنوان شده، می‌تواند شامل همه آنها باشد؛ به‌گونه‌ای که فقط به جبهه جنگ با دشمن بیرونی اختصاص نداشته باشد. گرچه این جهاد، رایج‌ترین مصداق اصل جهاد است، اما در راه خدا بودن (فی سبیل الله) ویژه جهاد اصغر نیست، بلکه هم جهاد اوسط که نبردی است میان نفس مسوئله و اماره با عقل ناهی از منکر و همچنین جهاد اکبر که نزاعی است میان عقل و قلب شاهد غیب، همگی تحت عنوان «جهاد در راه خدا» مندرج هستند.^۵

افزون براین، ذومراتب بودن جهاد و نام‌گذاری آن به جهاد اصغر و اکبر، برگرفته از روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است:

إن رسول الله صلی الله علیه و آله بعث سریة فلما رجعوا قال: «رحباً بقوم قضاوا الجهاد الأصغر و بقي عليهم الجهاد الأكبر»، قيل: «يا رسول الله و ما الجهاد الأكبر؟» قال صلی الله علیه و آله: «جهاد النفس. أفضل الجهاد من جاهد نفسه التي بين جنبيه».^۶

آیات بیانگر جهاد ابتدایی

کاربست آیات مرتبط با جهاد مصطلح، غالباً با تعبیر قتال و مشتقات آن بوده است. برخی از این آیات به

۱. طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۷، ص ۱۵۴.

۲. عنکبوت / ۶۹

۳. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۴، ص ۴۱۱.

۴. بقره / ۲۱۸.

۵. جوادی آملی، *تفسیر تسنیم*، ج ۱۱، ص ۳۶.

۶. کلینی، *الکافی*، ج ۵، ص ۱۲.

جهاد ابتدایی از منظر مفسران معاصر با تأکید بر آثار آیت‌الله جوادی آملی □ ۱۰۳

صورت مطلق به جهاد در راه خداوند امر نموده و بیانگر نکته خاصی درباره دفاعی یا ابتدایی بودن آن نیستند. نمونه‌هایی از این آیات بدین قرار است:

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.^۱

جهاد بر شما مقرر شد، درحالی‌که برای شما ناخوشایند است و چه بسا چیزی را ناخوش دارید، درحالی‌که خیر شما در آن است و چه بسا چیزی را دوست دارید، درحالی‌که ضرر و شر شما در آن است، و خداوند (صلاح شما را) می‌داند و شما نمی‌دانید.

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ...^۲

و در راه خدا جهاد کنید چنان‌که شایسته جهاد (در راه) اوست.

اَتَّفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.^۳
(به سوی جبهه و جهاد) کوچ کنید، سبک‌بار و سنگین‌بار، (خواه بر شما آسان باشد، خواه دشوار.) و در راه خدا با اموال و جان‌های خود جهاد کنید، اگر می‌دانستید، این برای شما بهتر است.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ ...^۴

ای پیامبر! مؤمنان را بر پیکار (با کفار) تشویق کن.

اما در برخی از آیات جهاد، جملات یا عباراتی به کار رفته که شماری از فقیهان و مفسران لزوم جهاد ابتدایی و شرایط آن را براساس این آیات استنباط کرده‌اند که می‌توان آنها را آیات صریح درباره جهاد ابتدایی نامید. برجسته‌ترین نمونه‌های آن عبارتند از:^۵

وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَلَفْتَنَّهُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ ...^۶

و آنها را (بت‌پرستانی که از هیچ جنایتی ابا ندارند)، هر کجا یافتید بکشید و از (مکّه) همان جایی که شما را بیرون کردند، آنها را بیرون کنید و فتنه (شرک و شکنجه) از قتل بدتر است.

۱. بقره / ۲۱۶.

۲. حج / ۷۸.

۳. توبه / ۴۱.

۴. انفال / ۶۵.

۵. لازم به ذکر است که آیات دیگری نیز به عنوان آیات دال بر جهاد ابتدایی مطرح شده، اما برخی آنها را مطلق دانسته‌اند.

مانند: توبه / ۷۳ و نساء / ۷۵.

۶. بقره / ۱۹۱.

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ^۱

و با آنها بجنگید تا فتنه (بت پرستی و سلب آزادی از مردم) باقی نماند و دین، تنها از آن خدا شود. پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید. زیرا) تعدی جز بر ستمکاران روا نیست.

... فَإِذَا اسْلَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرُمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْضُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ^۲

پس چون ماه‌های حرام سپری شود، مشرکان را هر جا یافتید بکشید و دستگیر کنید و در محاصره قرار دهید و در همه جا به کمین آنان بنشینید. پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات پرداختند، راهشان را باز کنید (و آزادشان بگذارید) که همانا خداوند، آمرزنده و مهربان است.

... قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ^۳

با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز بازپسین ایمان نمی‌آورند و آنچه را خدا و فرستاده‌اش حرام گردانیده‌اند حرام نمی‌دارند و متدین به دین حق نمی‌گردند کارزار کنید تا با [کمال] خواری به دست خود جزیه دهند.

... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ^۴

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کسانی از کفار که نزدیک شمایند بجنگید. باید آنان در شما خشونت و صلابت بیابند و بدانید که خداوند، با پرهیزکاران است.

دیدگاه مفسران معاصر ذیل آیات جهاد ابتدایی

براساس واکاوی مطالب برجسته‌ترین تفاسیر معاصر، ذیل آیات مشعر به جهاد ابتدایی، می‌توان مجموع دیدگاه‌های مفسران معاصر در این زمینه را در چهار دسته قرار داد.

۱. بیان نکات کلی آیه و عدم اشاره به حکم کلی جهاد یا انواع آن

برخی از مفسران معاصر ذیل آیات پیش گفته، فقط به بیان نکات واژگانی و ادبی، سبب نزول، وقوع نسخ یا عدم آن پرداخته و اصلاً متعرض حکم کلی جهاد و ابتدایی یا دفاعی بودن جهاد نشده‌اند.

۱. بقره / ۱۹۳.

۲. توبه / ۵.

۳. توبه / ۲۹.

۴. توبه / ۱۲۳.

برای نمونه در تفسیر روان جاوید ذیل آیه «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ»^۱ آورده است:

مسلمانان مأمور شدند که کفار حربی را هر جا بیابند بکشند و در روز فتح مکه آنها را بیرون کنند. چنانچه آنها هم، مسلمانان را از آن مکان شریف بیرون کرده بودند و این امر نسبت به کسانی که اسلام نیاوردند از کفار مکه بموقع اجرا گذارده شد و گفته‌اند فتنه شرک است و منع از ورود مسلمانان است برای زیارت به مکه که اشد از قتل مسلمانان است آنها را در حرم، و به نظر حقیر قتل و فتنه هر یک مانع انتظام امر وجود است ولی فتنه اشد است در ایجاد اختلال، لذا محرک فتنه و فساد را باید کشت و عضو فاسد را باید قطع نمود تا سرایت بباقی نکند و این قاعده عقلیه است که دفع افسد را باید بفاسد نمود و شرع هم بر طبق آن حکم فرموده ولی بپاس حرمت حرم مقرر گردید که مسلمانان ابتدا بقتال نمایند در حرم. پس اگر آنها مبادرت نمودند و حرمت حرم را هتک کردند بر مسلمانان واجب است که بکشند آنها را تا بجزای اعمالشان برسند.^۲

شماری از آنان نیز، مفاد آیات مشعر به جهاد ابتدایی را تنها ناظر بر مشرکان مکه تفسیر کرده‌اند و به حکم کلی جهاد و مؤلفه‌های آن نپرداخته‌اند. برای مثال در تفسیر انوار درخشان، آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِئْتَةً وَيُكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»^۳ چنین تفسیر شده است: «یعنی یگانه وسیله تفرقه نهضت شرک و هدم اساس بت‌پرستی در جهان، همانا جنگ با کفار مکه است؛ زیرا بدین وسیله کعبه که مرکز توحید و قبله مسلمین است از نفوذ آنها خارج شده و مرکزی برای تبلیغات اسلامی خواهد شد.»^۴ جالب توجه این است که صاحب تفسیر *التحریر و التنویر* در ضمن تفسیر همین آیه، کمی دایره را گسترده‌تر کرده و گفته است که این آیه بر قتال با مشرکان تا آزادسازی بلاد عرب از آیین شرک و گسترش اسلام در این سرزمین‌ها دلالت دارد؛ چراکه خداوند آن را برگزیده و قلب اسلام است.^۵

به‌طور تقریبی می‌توان گفت که تفاسیر دیگری همچون *تقریب القرآن الی الأذهان*،^۶ *تفسیر الموائجی*،^۷ *الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*^۸ چنین رویکردی را در تفسیر آیات مرتبط با جهاد ابتدایی داشته‌اند.

۱. بقره / ۱۹۱.

۲. ثقفی تهرانی، *روان جاوید*، ج ۱، ص ۲۳۹.

۳. بقره / ۱۹۳.

۴. حسینی همدانی، *انوار درخشان*، ج ۲، ص ۴۴۷.

۵. ابن‌عاشور، *التحریر و التنویر*، ج ۲، ص ۲۰۵.

۶. حسینی شیرازی، *تقریب القرآن الی الأذهان*، ج ۱، ص ۲۲۷ - ۲۲۶.

۷. مراغی، *تفسیر الموائجی*، ج ۲، ص ۹۱ - ۸۹.

۸. عاملی، *الوجیز*، ج ۱، ص ۴۲.

۲. محدود نمودن حکم جهاد به جهاد دفاعی

برخی مفسران معاصر، در پاسخ به هجمه‌هایی که علیه جهاد اسلامی مطرح شده و اسلام را دین جنگ معرفی می‌کنند، برآن شده‌اند که به نحوی جهاد ابتدایی را انکار کرده و اثبات کنند که حکم جهاد، اختصاص به جهاد دفاعی دارد.

برای نمونه استاد سید علی اکبر قرشی در کتاب *قاموس قرآن* - که نگارش آن در سال ۱۳۵۴ ش به پایان رسیده است - ذیل واژه قتل، جهاد ابتدایی را می‌پذیرد و در این زمینه می‌نویسد: «مهم این است که هدف قیام کننده، حق و برای آزادی توده رنج‌دیده و برای احیاء راه خدا باشد. اگر جنگ‌های اسلامی تعرضی هم باشد اصلاً مانعی ندارد، جنگی است که صلح و سعادت نتیجه آنست»،^۱ لیکن در تفسیر *احسن الحدیث* که نگارش آن در سال ۱۳۶۵ ش پایان یافته است - بر این باور است که آیات بیانگر جهاد، با آیه «وَإِنْ جَاحُوا لِسُلْمٍ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»^۲ و «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَكَمَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»^۳ تخصیص خورده، و می‌توان استنباط کرد که اگر کفار در کفر خود بمانند ولی بخواهند با مسلمانان همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند نمی‌شود با آنها به جنگ پرداخت. وی نهایتاً دیدگاه خود را چنین بیان کرده است:

نتیجه اینکه در اسلام جنگ تعرضی و ابتدایی نیست و جهاد اسلامی فقط دفاع است و رسول خدا ﷺ فقط با کسانی جنگیده که به جنگ او آمدند یا پیمان‌شکنی کرده و به فکر جنگ بوده‌اند و الله العالم.^۴

در تفسیر *المنار* نیز چنین دیدگاهی مطرح شده است:

الْقِتَالُ الْوَاجِبُ فِي الْإِسْلَامِ إِتْمَا شَرَعَ لِلدَّفْعِ عَنِ الْحَقِّ وَأَهْلِهِ وَحِمَايَةِ الدَّعْوَةِ وَتَشْرِهًا، وَلِذَلِكَ اشْتَرَطَ فِيهِ أَنْ يُقَدَّمَ عَلَيْهِ الدَّعْوَةُ إِلَى الْإِسْلَامِ ... إِنَّ غَزَوَاتِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - كَانَتْ كُلُّهَا دِفَاعًا، وَكَذَلِكَ حُرُوبُ الصَّحَابَةِ فِي الصَّدْرِ الْأَوَّلِ.^۵

جهاد واجب در اسلام، تنها برای دفاع از حق و اهل آن و پشتیبانی از دعوت اسلامی و گسترش آن تشریح شده و به همین دلیل دعوت کردن به اسلام بر جهاد مقدم است ... تمام غزوه‌های پیامبر ﷺ و جنگ‌های صحابه در دوره اول نیز دفاعی بوده است.

۱. قرشی، *قاموس قرآن*، ج ۵، ص ۲۴۴.

۲. انفال / ۶۱

۳. بقره / ۱۹۰

۴. قرشی، *احسن الحدیث*، ج ۱، ص ۳۵۳.

۵. عبده و رشیدرضا، *تفسیر المنار*، ج ۱۰، ص ۲۴۸.

جهاد ابتدایی از منظر مفسران معاصر با تأکید بر آثار آیت‌الله جوادی آملی □ ۱۰۷

از دیگر مفسران معاصر که صرفاً قائل به دفاعی بودن حکم جهاد هستند، می‌توان به محمدعزت دروزه،^۱ عبدالکریم خطیب^۲ و صاحب تفسیر *الواضح*^۳ نیز اشاره کرد.

۳. یادکرد از مفاد جهاد ابتدایی با تعابیر دیگر

شمار زیادی از مفسران معاصر، در کنار تبیین لزوم دفاع در برابر مهاجمان، با استناد به آیاتی همچون «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»^۴ به لزوم جهاد با مشرکان و کافران به منظور از بین بردن شرک و استقرار دین الهی نیز تصریح کرده‌اند. با وجود اینکه مفاد مطالب این دسته از مفسران ناظر بر مفهوم جهاد ابتدایی است، اما آنها از تقسیم‌بندی جهاد، به دفاعی و ابتدایی و کاربست تعبیر «جهاد ابتدایی» امتناع کرده‌اند. افزون بر این، مباحثی همچون بیان انگیزه و هدف جهاد برای حاکمیت توحید، وجوه تمایز این جهاد با سلطه‌طلبی و کشورگشایی و همچنین عدم تعارض میان آن و عدم اجبار بر پذیرش دین در این تفاسیر به صورت مبسوط، مطرح شده است.

برای نمونه، محمدحسین فضل‌الله ذیل آیه پیش‌گفته، بر این باور است که جنگیدن با شرک و مشرکان تا مرحله‌ای که فشار و تهدیدی برای به انحراف کشاندن مؤمنان از دینشان وجود نداشته باشد و دین الهی حاکم شود و شیطان و طاغوت جایگاهی نداشته باشند، لازم و ضروری است؛ زیرا در اینجا مصلحت حقیقی انسان در میان است و چاره‌ای جز جهاد کردن، البته با رعایت شروط اسلامی و شرعی، وجود ندارد. بنابراین، هدف اصلی، محافظت از آزادی حقیقی انسان است که بر حقانیت و عدالت استوار بوده و به دور از توهم آزادی در سایه کفر، ظلم و تجاوز است. همچنین براساس شروط این جهاد، می‌توان دریافت که هدف آن تغییر بالقوه عقیده انسان‌ها نیست.^۵

صاحب تفسیر *پرتویی از قرآن* نیز، براساس مجموعه آیات مرتبط با جهاد، بدون اینکه از نام‌گذاری خاصی استفاده کند، معتقد است که جهاد اسلامی دارای مراتب و آغاز و انجام است و از جهاد با کسانی که سر جنگ دارند تا هرجا و هرزمان که دشمنان تمرکز یافتند و پایه گرفتند و نهایتاً تا از میان برداشتن هرگونه فتنه و تحقق آیین‌های خدایی ادامه پیدا می‌کند. وی فرمان جهاد را در راستای تکامل و آزادی انسان‌ها، برداشتن فتنه و استقرار آیین حق، عدل و رحمت دانسته و لزوم آن را یک

۱. دروزه، *تفسیر الحدیث*، ج ۶، ص ۳۲۹ - ۳۲۸.

۲. خطیب، *تفسیر القرآنی للقرآن*، ج ۱، ص ۲۱۱.

۳. حجازی، *تفسیر الواضح*، ج ۱، ص ۱۱۷.

۴. بقره / ۱۹۳.

۵. فضل‌الله، *من وحی القرآن*، ج ۴، ص ۸۲ - ۸۱.

حقیقت جهانی و واقعیت اجتماعی برشمرده است؛ زیرا هر مرام و آیینی که برپایه حق بوده، از فریب و سازش کاری به دور باشد و در برابر ظالمان بایستد، ناگزیر است که بعد از ارائه آیین و هدف، جنگ و مبارزه پایه دوم آن باشد.^۱ البته وی معتقد است که فرمان جهاد شامل شرک و کفری که تنها در مرتبه عقیده و فکر باشد، نمی‌شود.^۲

آیت‌الله صادقی تهرانی نیز، جهاد اسلامی را مشتمل مراحل متعدد می‌داند و ترجیح داده از مفاد جهاد ابتدایی با عنوان «دفاع هجومی» یاد کند. وی حقیقت این نوع جهاد را دفاع از مستضعفان فکری، مظلومان و گمراه‌شدگان می‌داند.^۳

تبیین جهاد ابتدایی و مؤلفه‌های آن، ضمن عدم کاربرد این اصطلاح، در تفاسیر معاصر دیگری همچون تفسیر روشن،^۴ نور،^۵ مخزن العرفان^۶ نیز به چشم می‌خورد.

۴. یادکرد از «جهاد ابتدایی» و بیان مؤلفه‌های آن

شمار اندکی از تفاسیر معاصر ذیل آیات مشعر به جهاد ابتدایی، از تقسیم‌بندی جهاد به دفاعی و ابتدایی استفاده کرده و مؤلفه‌های هریک از آنها را تبیین کرده‌اند. برجسته‌ترین آنها *المیزان فی تفسیر القرآن*، *تفسیر تسنیم* و *تفسیر نمونه* هستند.

صاحب *تفسیر نمونه* با بیانی ساده به حکمت و ضرورت تشریح حکم جهاد ابتدایی پرداخته و آن را جهاد آزادی بخش خوانده است.^۷

علامه طباطبایی ضمن بیان مقدماتی، حقیقت جهاد ابتدایی را نیز دفاع از حق حیات انسانی و فطرت او می‌داند. وی براساس آیات قرآن تبیین نموده که این حیات تنها در سایه برپاداشتن خالصانه توحید و ازبین‌رفتن شرک، ادامه پیدا می‌کند. البته وی تأکید نموده که دعوت و هدایت، صبر موخدا نه در برابر آزار و اذیت‌ها، دفاع از اسلام و جان و مال و آبروی مسلمانان مقدم بر جهاد ابتدایی هستند و نیز متذکر شده که این جهاد پس از اتمام حجت صورت می‌گیرد.

علامه طباطبایی همچنین عدم تعارض میان حکم جهاد ابتدایی (جنگیدن با کافران و مشرکان برای

۱. طالقانی، *پرتویی از قرآن*، ج ۲، ص ۸۵.

۲. همان، ص ۸۳.

۳. صادقی تهرانی، *الفرقان*، ج ۳، ص ۹۵.

۴. مصطفوی، *تفسیر روشن*، ج ۳، ص ۱۲.

۵. قرائتی، *تفسیر نور*، ج ۱، ص ۳۰۶.

۶. امین اصفهانی، *مخزن العرفان*، ج ۲، ص ۲۳۷ - ۲۳۶.

۷. مکارم شیرازی و دیگران، *تفسیر نمونه*، ج ۲، ص ۲۷.

از بردن شرک و استقرار دین الهی) و نفی اجبار بر پذیرش دین را نیز تبیین کرده است؛^۱ گفتنی است که در این مبحث نقدهایی بر دیدگاه ایشان وارد شده است.^۲

بررسی نگارنده نشان می‌دهد که مبحث «جهاد ابتدایی» از منظر تفسیری در آثار آیت‌الله جوادی آملی با دقت نظر بیشتری مورد بررسی قرار گرفته است. ایشان ضمن تبیین ماهیت جهاد ابتدایی، به چالش‌ها و شبهات مطرح شده پیرامون این حکم الهی توجه داشته و سعی نموده که با واکاوی دقیق آیات قرآن کریم و جمع‌بندی آنها، نگاهی فراگیر به مبحث جهاد و جهاد ابتدایی داشته باشد و با تبیین مهم‌ترین مؤلفه‌های آن، زوایای بحث را برای مخاطبان روشن ساخته و پاسخ‌های قابل توجهی را نیز ارائه نموده است. بر همین اساس، در ادامه، دیدگاه ایشان به تفصیل مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

ماهیت و حکم جهاد ابتدایی از منظر استاد جوادی آملی

آیت‌الله جوادی آملی در اثری مستقل، به بحث جهاد و به‌ویژه جهاد ابتدایی نپرداخته، اما در تفسیر *تسنیم* و کتاب‌های *روابط بین‌الملل در اسلام*، *حماسه و عرفان*، *ولایت فقیه*، *شکوفایی عقل در پرتوی نهضت حسینی* و *کوثر کربلا*، به مناسبت، مطالبی را با محوریت آیات قرآن کریم، درباره جهاد ابتدایی و مؤلفه‌های آن مطرح کرده است.

براساس دیدگاه وی، جهاد دارای درجات و مراتب بوده و به‌طور کلی می‌توان آن را سه‌گونه دانست:

۱. جهاد اصغر که نبرد با دشمن بیرونی در میدان جنگ است و رایج‌ترین مصداق جهاد به‌شمار می‌رود؛
۲. جهاد اوسط که درگیری درونی انسان با خویش بر سر مسائل اخلاقی است؛ مانند جنگ میان تقوا و طغوا، عدل و ظلم، حق و باطل، صدق و کذب، حسن و قبح ... بسیاری از مردم، این جنگ را جهاد اکبر می‌پندارند؛ زیرا غالب آنان در همین حدّ می‌مانند و توانایی دسترسی به بالاتر از آن را ندارند؛ ولی برای سالکان کامل، پایان راه این نیست که انسان، عادل و پرهیزگار و لایق بهشت شود؛^۳ جهاد اکبر که نبردی میان عقل و عشق است، نه نبرد عقل و شهوت یا عقل و غضب. در این مرتبه از جهاد هرچه که هست، حق، صدق، عدل، حسن، طهارت و تقواست؛ ولی باید از میان پاک و پاک‌تر، یکی را برگزید. به تعبیر دیگر، در این نبرد عقل می‌گوید: من حق را می‌فهمم. عشق پاسخ می‌دهد: فهمیدن حق کافی نیست، بلکه باید حق را مشاهده نمود. عقل می‌گوید: بهشت و دوزخ موجودند. عشق می‌گوید: صرف علم به وجود آنها کافی نیست، بلکه باید بهشت و دوزخ را اکنون دید.^۳

۱. طباطبایی، *المیزان*، ج ۲، ص ۷۰ - ۶۵.

۲. ر.ک: نجفی و بهرامی، *گستره مفهوم جهاد به مثابه قتال در اندیشه سید قطب و علامه طباطبایی*، ص ۱۲۶ - ۱۲۵.

۳. جوادی آملی، *شکوفایی عقل در پرتوی نهضت حسینی*، ص ۱۹۴ - ۱۹۳.

وی بسیاری از آیات مرتبط با جهاد را ناظر بر تمام مراتب آن دانسته و معتقد است اختصاص به جنگ با دشمنان بیرونی ندارند. برای نمونه، معتقد است که جمله «وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» در آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ»^۱ اختصاصی به نبرد با دشمن بیرونی نداشته و همه گونه‌های جهاد تحت عنوان «جهاد در راه خداوند» مندرج هستند.^۲ همچنین در آیه «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» منظور از «حَقَّ جِهَادِهِ» تحقق کامل بخشیدن به این فریضه الهی در جهاد اصغر، اوسط و اکبر است.^۳ در آیه «وَالَّذِينَ جَاهِدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» نیز آورده است: «اطلاق آیه مزبور شامل جهاد اصغر و اکبر می‌شود.»^۴

از این رو، جهاد اصغر رایج‌ترین مصداق جهاد است و جهاد ابتدایی یکی از انواع آن به شمار می‌رود. استاد جوادی آملی نیز، نبرد با دشمنان را به دو گونه دفاعی و ابتدایی تقسیم می‌کند. وی جهاد دفاعی را یک حکم کلی انسانی و بین‌المللی می‌داند که هرگز سؤال‌برانگیز نیست؛ زیرا در صورت حمله بیگانگان، بر هرانسان آزاده‌ای واجب است که از حریم خود دفاع کند؛ خواه مسلمان باشد، یا غیرمسلمان. برای نمونه صاحب‌خانه برای جلوگیری از تجاوز و تهاجم متجاوز و مهاجم به خود، خانواده و اموالش می‌تواند کاملاً دفاع کند، هرچند به کشتن و کشته‌شدن او ختم شود؛ چون انسان مهاجم مهدورالدم است و اگر صاحب‌خانه در زمان دفاع از حریم خود کشته شود، شهید شمرده شده و از ثواب برخوردار است؛ چنان‌که در روایت «من قتل دون ماله فهو شهید و من قتل دون عرضه فهو شهید»^۵ مطرح شده است.^۶ بنابراین، در جهاد دفاعی هدف مسلمانان دفاع از حیات خویشان در برابر مهاجمان است و هرگز از سنخ تحمیل اجباری دین بر دیگران نیست و ارتباطی به آن ندارد.^۷

اما «جهاد ابتدایی»، براساس دیدگاه استاد جوادی آملی، جهادی است که مسلمانان به دستور ولیّ امر خود به سوی کافران رفته، آنان را با کلام بلیغ و مبین به پذیرش اسلام دعوت می‌کنند و در راستای این دعوت، موانع غیرمنطقی را به وسیله جنگ، از میان برمی‌دارند. این موانع همان حق‌گریزانی هستند که زنجیرهایی به پا و غل‌هایی بر گردن طبقه محروم نهاده‌اند و مانع رسیدن پیام

۱. بقره / ۲۱۸.

۲. جوادی آملی، *تفسیر تسنیم*، ج ۱۱، ص ۳۶.

۳. همان، ج ۱۵، ص ۲۰۹.

۴. همو، *فطرت در قرآن*، ص ۳۵۹.

۵. صدوق، *من لایحضره الفقیه*، ج ۴، ص ۹۵.

۶. جوادی آملی، *روابط بین الملل*، ص ۱۸۶.

۷. همو، *تفسیر تسنیم*، ج ۱۲، ص ۱۷۵.

حیات‌بخش وحی الهی به مستعدان راه حق هستند.^۱

ایشان بسان برخی دیگر از مفسران معاصر، معتقد است که براساس آیات قرآن کریم، روح جهاد ابتدایی نیز به دفاع از مظلومان بازمی‌گردد؛ زیرا مستکبران، یا به تعبیر دیگر کافران و مشرکان فتنه‌جو، مانع نفوذ تعلیم و تبلیغ اسلام به تشنه‌کامان علم و ایمان‌اند و جهاد با طاغیان به‌معنای ازبین‌بردن مانع و دفع حاجب برای رسیدن معارف ناب به محرومان است. بنابراین، همه جنگ‌های اسلامی دفاعی است. وی براساس یک‌سری مقدمات، این ادعا را تبیین و اثبات می‌کند:

مقدمه اول: براساس آیات قرآن کریم انسان‌ها حقوقی دارند که مهم‌ترین آنها حق حیات است؛ زیرا حفظ سایر حقوق در پرتو این حق صورت می‌گیرد. نکته قابل توجه آنکه حیات در فرهنگ قرآن اعم از حیات نباتی، حیوانی و انسانی است و برپایه آیاتی همچون «لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ»^۲ حیات انسانی یا به تعبیر دیگر، حیات معنوی که شامل ایمان و اعتقاد به خداوند، معاد و آشنایی با علوم و معارف الهی است، به عنوان برترین نوع حیات دانسته شده است.^۳

مقدمه دوم: از منظر قرآن کریم، دین الهی یا به تعبیر دیگر، وحی، شکوفاگر فطرت و مایه حیات انسانی است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»^۴ بنابراین احکام دین و به‌طور خاص جهاد در راه خدا، از دستورهای حیات‌بخش، هماهنگ با فطرت و اصولی تغییرناپذیر است.^۵

مقدمه سوم: قرآن کریم کافران و مشرکان را مانع اصلی رسیدن جوامع بشری به حیات معنوی معرفی کرده و بیان می‌کند که آنها هم راه خدا را می‌بندند تا بندگان او به حیات انسانی (توحید) بار نیابند: «يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»^۶ و هم می‌کوشند که زنده‌شدگان با وحی الهی را نابود ساخته و آنان را به ارتداد بکشانند:^۷ «وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا».^۸

مقدمه چهارم: یکی از وظایف پیامبران و رهبران دینی که مدافعان راستین حقوق بشرند، دفاع از حق

۱. ر.ک: همان؛ همو، ولایت فقیه، ص ۳۶.

۲. یس / ۷۰.

۳. جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۹، ص ۵۸۸ - ۵۸۶.

۴. روم / ۳۰.

۵. جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۹، ص ۵۸۸.

۶. حج / ۲۵.

۷. جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۹، ص ۵۸۹.

۸. بقره / ۲۱۷.

حیات انسانی در برابر هجوم همه‌جانبه کافران و مشرکان ستیزه‌گر با این حیات است، تا مردم بتوانند پرچم توحید و قسط و عدل را در سراسر جهان به اهتزاز درآورند.^۱

برپایه این مقدمات چهارگانه، جهاد ابتدایی درحقیقت دفاع از حق حیات معنوی انسان و دفع خارراه و طرد مزاحم از مسیر مستقیم است.^۲ زیرا پس از اتمام حجت و اصرار مستکبران بر منع نفوذ دین الهی به سطح جامعه محروم صورت می‌گیرد.

مؤلفه‌های جهاد ابتدایی از منظر استاد جوادی آملی

استاد جوادی آملی در بحث جهاد ابتدایی مؤلفه‌ها و ساختاری را سامان داده که بخشی از آنها درپیشینه‌شناسی این موضوع یافت نمی‌شود و می‌توان گفت که منحصر به فرد است.

- استکبارورزی دشمنان (کافران، مشرکان و منافقان)

براساس واکاوی دیدگاه استاد جوادی آملی می‌توان گفت که شاخص‌ترین مؤلفه در لزوم و ضرورت جهاد ابتدایی، خوی استکباری و سلطه‌گری کافران و مشرکان است. وی برپایه آیاتی از قرآن کریم، براین باور است که مشرکان و کافران دو گروه‌اند: عده‌ای اهل توطئه، پیمان‌شکنی و فتنه‌جویی بوده؛ سعی در آزار و اذیت مسلمان‌ها، کشتار یا تبعید آنها و مانند آن دارند. اما گروهی دیگر بر ضد مسلمانان چنین اقدامی ندارند؛ یعنی اصول انسانی را پذیرفته و اهل ستمکاری نیستند، عهد و پیمان را گرامی می‌شمارند و در امانت خیانت نمی‌کنند. خداوند درباره این دسته، فرمود که اگر اینان مورد لطف مسلمانان قرار بگیرند، نه تنها بد نیست بلکه خوب است و خدا توصیه می‌کند که درباره آنها قسط و عدل را اعمال کنید:

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.^۳

از این رو، قرآن کریم در عین حال که در سوره مبارکه «ممتحنه» رابطه با کافران را امضاء کرده، اما رابطه با مستکبران را نه تنها تأیید نکرده، بلکه در جاهای مختلف قرآن فرمان جهاد ابتدایی علیه آنان را صادر کرده است. استاد جوادی در تبیین ماهیت مستکبران روی چند نکته تأکید دارند: ۱. مستکبران در مقام اعتقاد، با وجود یقین قلبی به حقایق وحی و رسالت، آن را انکار می‌کنند: ^۴ «فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا

۱. جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۹، ص ۵۹۰ - ۵۸۹.

۲. همو، حماسه و عرفان، ص ۲۴.

۳. ممتحنه / ۸

۴. جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۵، ص ۴۵۷.

مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ * وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا؛^۱ ۲. مستکبران افزون بر گمراهی خویش مانع ایمان آوردن دیگران می‌شوند و دیگران را نیز گمراه می‌کنند: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ...»^۲ در واقع آنان دفع حیات می‌کنند، یعنی راه خدا را می‌بندند و نمی‌گذارند بندگان به حیات انسانی (توحید) بار یابند و همچنین رفع حیات می‌کنند، یعنی می‌کوشند زنده شدگان با وحی را نابود سازند و با تبلیغات سوء، دین بندگان را بزدایند و آنان را به سوی ارتداد سوق دهند و نیز در صدد بهره برداری از غفلت مسلمانان و وارد کردن ضربه بر آنها هستند. استاد در این زمینه، به آیاتی مانند: «وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغفلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً»^۳ «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّى يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا»^۴ استناد کرده‌اند.^۵ از این رو، این گونه مشرکان و کافران فتنه‌جو و توطئه‌گر، خطرناک‌ترین تهدید برای حیات بشری به شمار می‌روند و باید کشته شوند و محو گردند.^۶ ۳. درست است که کافر مبانی اعتقادی را نمی‌پذیرد و دستورات الهی را انکار می‌کند، لیکن فرمان فطرت را ارج می‌نهد و بعضی از حقوق انسانی را رعایت می‌کند، ولی مستکبر نه اصول الهی را می‌پذیرد و نه اصول انسانی را؛ بنابراین، از هیچ حقی برخوردار نیست. نه حق الهی دارد، چون خدا را قبول ندارد و نه حق انسانی دارد، زیرا اصول انسانی را نمی‌پذیرد و از این رو، حق حیات ندارد.^۷ ۴. اصلی‌ترین ویژگی مستکبران آن است که به هیچ عهد و پیمانی پایبند نیستند و مهم‌ترین دلیل نبرد با مستکبران همان پیمان‌شکنی می‌باشد: «وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَأَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ»^۸ خداوند در این آیه شریفه، با صراحت تمام، دلیل فرمان قتل سران کفر (مستکبران) را عدم پایبندی به عهد و پیمان معرفی می‌نماید. قرآن در ادامه نیز مؤمنان را توبیخ می‌کند که چرا با گروه پیمان‌شکن جنگ نمی‌کنند.^۹ استاد جوادی در تعلیل این حکم قرآنی می‌نویسد:

۱. نمل / ۱۴ - ۱۳.

۲. حج / ۲۵.

۳. نساء / ۱۰۲.

۴. نساء / ۸۹.

۵. جوادی آملی، *روابط بین الملل*، ص ۱۰۳ - ۱۰۲؛ همو، *تفسیر تسنیم*، ج ۹، ص ۶۰۶.

۶. همو، *تفسیر تسنیم*، ج ۴، ص ۶۰۶.

۷. همو، *روابط بین الملل* ص ۱۸۲.

۸. توبه / ۱۲.

۹. ر.ک: توبه / ۱۳.

زیرا با کافر بی‌ایمان می‌توان زندگی مسالمت‌آمیز نمود، ولی با مستکبر بی‌ایمان هرگز ممکن نیست؛ چون زندگی بدون تعهد متقابل، میسور نیست و وقتی طرف مقابل به عهد و سوگند و میثاق خود احترام نمی‌نهد و هر لحظه که زورمند شد آن را نقض می‌کند، هرگز نمی‌توان با او زندگی مشترک داشت.^۱

بنابراین، می‌توان گفت که مستکبران، کافران و مشرکان سلطه‌گری موردنظر هستند که اگر دستشان به خون، عرض و مال مردم برسد، در تجاوز به آنها کوتاهی نمی‌کنند.^۲

ایشان در بیان دیگری، ذیل آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ»^۳ که مفاد آن را دال بر جهاد ابتدایی می‌داند، معتقد است که باتوجه به تقابل میان «فتنه» و «دین» (مقصود از فتنه در این آیه کفر، شرک و بت‌پرستی جهت‌دار، موضع‌گیر، ترفندبند و مورد حمایت همه‌جانبه مشرکان است که زیان‌بارترین مصداق فتنه و خطرناک‌ترین تهدید برای حیات انسانی به‌شمار می‌رود و باید محو شود) همچنین از تعبیر «حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ» بر می‌آید که باید با فتنه و شرک آشوب‌گر مبارزه کرد؛ نه لزوماً با هر شخص مشرک؛ زیرا ممکن است تا آخرین لحظه در دنیا گروهی مشرک، کافر، اهل کتاب یا منافق باشند، هرچند با پذیرش شرایطی در پناه اسلام زندگی کنند.^۴

بنابراینچه گفته شد، جهاد ابتدایی هیچ ارتباطی با سلطه‌گری، زورگویی یا خشونت‌طلبی ندارد، بلکه راهی برای رفع و دفع استکبارگری و زورگویی است؛ چراکه مسلمانان نیز موظفند که اگر قدرت پیدا کردند، چون خوی استکباری بد است، به کافران ستم نکنند، چنان‌که حق ندارند حتی به حیوان ستم کنند. پس ظلم در هر جا مصداق پیدا کرده، ممنوع است و قرآن کریم روابط را بر اساس قسط و عدل تنظیم می‌کند؛ نه اجازه می‌دهد که کسی از قدرتش سوء استفاده و ظالمانه رفتار کند و نه اجازه می‌دهد کسی سلطه‌پذیر باشد:^۵ «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»^۶

لازم به یاد آوریست که براساس دیدگاه ایشان، حکم جهاد ابتدایی شامل منافقان و مسلمانان مستکبر نیز می‌گردد.^۷

۱. جوادی آملی، اسلام و محیط زیست، ص ۵۹.

۲. همو، روابط بین‌الملل، ص ۱۸۰.

۳. بقره / ۱۹۳.

۴. جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۹، ص ۶۰۵، ۶۲۸ و ۶۲۹.

۵. همو، روابط بین‌الملل، ص ۱۷۰.

۶. بقره / ۲۷۹.

۷. جوادی آملی، روابط بین‌الملل، ص ۱۰۲ و ۱۷۹.

– انگیزه الهی جهادگران

یکی از مؤلفه‌های مهمی که در آیات مرتبط با جهاد بر روی آن تأکید شده و پیش از سایر نکات مطرح گشته، بیان انگیزه و مسیر جهاد است. تعبیر «فی سبیل الله» که در آیاتی همچون «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ»^۱، «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»^۲ و «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ»^۳ و ... مطرح شده، گویای این مهم است که انگیزه مسلمانان از نبرد با دشمنان باید الهی و در مسیر اعتلای کلمه توحید باشد. همچنان که مهم‌ترین انگیزه یا هدف کافران ستیزه‌جو و مستکبر نیز «صد عن سبیل الله» است: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»^۴ و نبرد آنان نیز در مسیر طاغوت می‌باشد.^۵ مفسران قرآن نیز در همین راستا به این مطلب پرداخته‌اند.^۶

آیت‌الله جوادی آملی هم این نکته را چنین توضیح داده است: «اساس برنامه وحی، تزکیه نفوس جامعه و تعلیم کتاب و حکمت به آنان است، از این رو خداوند قبل از هر سخن دیگر درباره جنگ، به ذکر هدف آن می‌پردازد: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ»^۷. هدف جنگ، اقامه دین و اعلاای کلمه توحید است؛ زیرا قبل از اینکه بگوید با چه کسی بجنگید می‌گوید: چرا بجنگید و به چه منظور دفاع کنید. از تقدیم راه خدا: «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» بر کسانی که باید با آنها جنگید: «الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» اهمیت هدف را می‌توان استظهار کرد».^۸

وی همچنین ذیل آیه «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ»^۹ متذکر شده که جهاد وظیفه مهم دینی است که برای گسترش قلمرو دین انجام می‌شود که سبب صلاح دنیا و آخرت همگان است؛ نه برای سلطه‌طلبی دنیایی و کشورگشایی.^{۱۰} نکته دیگر اینکه حتی دفاع از آب و خاک، جان و مال و

۱. بقره / ۱۹۰.

۲. نساء / ۷۴.

۳. نساء / ۷۶.

۴. انفال / ۳۶.

۵. رک: نساء / ۷۶.

۶. رک: طباطبایی، *المیزان*، ج ۲، ص ۶۰؛ حسینی همدانی، *انوار درخشان*، ج ۲، ص ۱۴۵؛ طالقانی، *پرتویی از قرآن*، ج ۲، ص ۸۱؛ گنابادی، *بیان السعادة*، ج ۱، ص ۱۷۸.

۷. بقره / ۱۹۰.

۸. جوادی آملی، *تفسیر تسنیم*، ج ۹، ص ۵۷۳.

۹. بقره / ۲۴۴.

۱۰. جوادی آملی، *تفسیر تسنیم*، ج ۱۱، ص ۵۷۱.

ناموس و آبرو، فرع بر دفاع از دین است؛ زیرا تنها در پرتو حفظ و سلامت دین، همه امور یاد شده در امان می‌ماند؛ چراکه وقتی اصل دین محفوظ ماند، آموزه‌های آن مانند «مَنْ قَتَلَ دُونَ مَظْلَمَتِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ» یا «مَنْ قَتَلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ يَمْتَزِلَةُ الشَّهِيدِ» نیز به کسی اجازه تجاوز به آب، خاک و ... را نمی‌دهد.^۱

برپایه این نکته مهم، می‌توان به نحو آشکار تمایز میان جهاد ابتدایی و سایر جنگ‌هایی که به منظور سلطه‌طلبی، کشورگشایی، استثمار و استعمار صورت می‌گیرد را دریافت.

- تأکید بر توسعه اسلام بر اساس عقلانیت و اختیار

یکی از نکاتی که گاهی از سوی دشمنان آگاه یا دوستان نادان مطرح می‌شود، این است که اسلام، با شمشیر پیشرفت کرده و اعتقاد به اسلام، به وسیله جنگ و جهاد بر مردم تحمیل شده است. آیت‌الله جوادی در ضمن مباحث مرتبط با جهاد ابتدایی به این نکته توجه داشته، جایگاه آن و رابطه‌اش با پذیرش دین را تبیین کرده است.

وی بیان نموده که دین مجموعه‌ای از باورهای ویژه است که هرگز نمی‌توان آن را بر کسی تحمیل کرد؛ زیرا «عقیده» امری علمی است نه عملی؛ اگر مقدمات آن برای فکر و جان انسان آشکار شود، او اعتقاد پیدا می‌کند و اگر چنین نشود، قابل تحمیل نیست. چنان‌که در آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»^۲ این نکته به صراحت مطرح شده است. افزون بر این، خداوند وظیفه پیامبران را تنها عرضه و ابلاغ دین می‌داند: «فَاعْلَمُوا أَنَّمَا عَلِيَ رَسُولُنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ»^۳.

ازسوی دیگر، بررسی تاریخ صدر اسلام شهادت می‌دهد که پیشرفت اسلام براساس برهان و استدلال بوده است؛ زیرا پیامبر اکرم ﷺ و همراهان ایشان، در مدت سیزده سالی که در مکه بودند، فشارهای بسیاری را تحمل کردند و در این مدت، عده‌ای از مکه و اطراف آن مسلمان شدند و عده‌ای نیز که از مدینه در مراسم حج به حضور ایشان می‌رسیدند، بر اساس دعوت و تبلیغ صحیح، اسلام را می‌پذیرفتند. پس از ورود به مدینه نیز، پیش از آنکه قدرتی داشته باشند، مورد تهاجم همه جانبه قرار گرفتند. بعد از استقرار حکومت اسلامی نیز خداوند اجازه دفاع را به مسلمانان مظلوم داد تا بتوانند برای حفظ حکومت اسلام و مسلمین و برای نجات محرومان و مظلومان دیگر از شر کافران بی‌منطق و فتنه‌گر، به جهاد در راه خدا نائل شوند.^۴

۱. همان، ج ۹، ص ۵۷۳.

۲. بقره / ۲۵۶.

۳. مائده / ۹۲.

۴. جوادی آملی، ولایت فقیه، ص ۳۵ - ۳۳.

بنابراین، جنگ و جهاد ابتدایی، برای تحمیل دین بر مردم نیست، بلکه ستیز با سران مستکبری است که با فتنه‌گری، تبلیغات فریبنده و بی‌اساس، مانع راه سعادت و شکوفاشدن فطرت انسان‌ها می‌شوند. پس چنان‌که پیش از این نیز گفته شد، بازگشت جهاد ابتدایی به جهاد دفاعی است؛ از این جهت که جهاد ابتدایی، دفاع از فطرت انسانی و زمینه‌ساز آزادی انتخاب دین است و نه تنها با آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» متناسب، بلکه زمینه‌ساز آن است؛ زیرا در فرهنگ دینی، کمال انسان در پرتو اختیار اوست و نه تنها کمال روحی با اکراه پدید نمی‌آید، بلکه اکراه سبب کوری دل می‌شود.^۱

علاوه بر این نکات، مؤلفه مهم «استکبارورزی» که استاد جوادی آملی بر آن تأکید نموده، نیز در تبیین جایگاه جهاد ابتدایی و عدم تعارض آن با آزادی عقیده بسیار راهگشاست؛ چراکه از منظر ایشان، ملاک اساسی نبرد با کافران و مشرکان، صرفاً کفر و شرک آنان نیست؛ بلکه استکبار، ظلم، ممانعت از تبلیغ تعالیم الهی و عدم پایبندی آنها به اصول انسانی است.

– لزوم اذن ولی فقیه جامع الشرایط

آیت‌الله جوادی آملی معتقد است که جهاد ابتدایی با تحلیل حقوقی به دفاع باز می‌گردد؛ ولی از نظر فقهی همانند دفاع کیفری نیست؛ زیرا در دفاع کیفری (جهاد دفاعی) نیازی به اذن امام معصوم علیه السلام وجود ندارد. اما درباره جهاد ابتدایی میان فقیهان اختلاف نظر است. برخی از آنها اذن معصوم علیه السلام را در آن لازم می‌دانند.^۲ ولی ایشان معتقد است که اذن معصوم در جهاد ابتدایی شرط نیست و اذن ولی فقیه کافیه است: «بنابر ولایت فقیه جامع شرایط آگاه به زمان، مدیر و مدبر، می‌توان مأذون بودن وی را در اقدام به این کار مهم نظامی بعد از مشورت با صاحب نظران جامع استنباط کرد.»^۳ استاد جوادی آملی، در آثار تفسیری خویش، دلیلی را بر شرط نبودن اذن معصوم در جهاد ابتدایی بیان نمی‌کند، لیکن کلام صاحب جواهر را که مشتمل بر دلیل است، نقل و به آن بسنده می‌کند و مرحوم صاحب جواهر معتقد است که عمومیت ولایت فقیه در زمان غیبت، به پشتوانه عمومیت ادله جهاد، مسئله مورد بحث را شامل و بر دیگر ادله مقدم می‌شود.^۴

یادکردنی است که ایشان در کتاب **ولایت فقیه** جانب احتیاط را رعایت کرده و معتقد است که حکم

۱. همو، *تفسیر تسنیم*، ج ۱۲، ص ۱۷۶.

۲. رک: طوسی، *المبسوط فی فقه الامامیه*، ج ۱، ۵۴۱؛ ابن‌ادریس، (به نقل از *سلسلة الینایع الفقهیه*)، ج ۹: ۱۷۵؛ شهید ثانی،

الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۱، ص ۴۳۷؛ انصاری، *صراط النجاة*، ص ۲۶۸.

۳. جوادی آملی، *تفسیر تسنیم*، ج ۹، ص ۵۸۶.

۴. همان، ص ۶۳۷.

جنگ‌های به ظاهر تهاجمی و ابتدایی، بعد از اتمام حجت از یک‌سو و اصرار مشرکان و کافران بر خوی استکباری از سوی دیگر است.^۱

نتیجه

جهاد ابتدایی یکی از مباحث چالش‌برانگیز در فرهنگ اسلامی به‌شمار می‌رود. مفسران معاصر قرآن، در کنار سایر اندیشوران مسلمان، دیدگاه‌های تفسیری خویش را در ذیل آیات ناظر بر جهاد ابتدایی بیان کرده‌اند. با مطالعه، تدبر و تأمل در سخنان آنان، می‌توان گفت که این گروه تصویر روشنی از حقیقت و ماهیت جهاد ابتدایی و حکم آن ارائه نداده‌اند و در ابهام‌زدایی و گره‌گشایی از آیات مشعر به جهاد ابتدایی، ره به جایی نبرده‌اند. غالب این بزرگواران، بیشتر به موضوعات فرعی مانند: بیان نکات واژگانی و ادبی، توضیح حکم کلی جهاد، بایستگی جهاد با مشرکان و کافران بدون اشاره به جهاد ابتدایی و غیره، پرداخته‌اند و پا را فراتر از آن نگذاشته‌اند و حتی از کاربست اصطلاح «جهاد ابتدایی» پرهیز نموده‌اند. در این میان، استاد جوادی آملی با صراحت تمام، در آثار خویش به‌ویژه در تفسیر گران‌سنگ *تسنیم* به تقسیم جهاد به دفاعی و ابتدایی و سپس به تعریف و تبیین جهاد ابتدایی و نیز بیان حکم آن در عصر غیبت پرداخته است. ایشان با بررسی آیاتی که رفتار مسلمانان با کافران و مشرکان را ترسیم نموده‌اند، بر این باور است که حکم جهاد ابتدایی، مختص کافران و مشرکانی است که خوی استکبار و فتنه‌جویی و توطئه‌گری دارند، نه هر کافر و مشرکی؛ زیرا با مشرک و کافر بی‌ایمان می‌توان زندگی مسالمت‌آمیز داشت، لیکن با مستکبر بی‌ایمان زندگی مسالمت‌آمیز امکان‌پذیر نیست. ایشان در عین حال جانب احتیاط را رعایت کرده و معتقد است که حکم جنگ‌های به ظاهر تهاجمی و ابتدایی، منوط به اتمام حجت از یک سو و اصرار مشرکان و کافران بر خوی استکباری از سوی دیگر و إذن ولی فقیه از سوی سوم می‌باشد.

منابع و مأخذ

- ابن‌عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر و التنبؤ*، ج ۲ و ۱۰، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
- ابن‌فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، ج ۱، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- امین، سیده نصرت، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، ج ۲، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ ش.
- انصاری، صراط *النجاة* (رساله عملیه شیخ انصاری با حواشی هفت تن از فقها)، تهران، میرزا محمدخوانساری، ۱۳۰۱ ق.

۱. همو، *ولایت فقیه*، ص ۳۳.

- ثقفی تهرانی، محمد، *تفسیر روان جاوید*، ج ۱، تهران، برهان، ۱۳۹۸ ق.
- جوادی آملی، عبدالله، *اسلام و محیط زیست*، تحقیق عباس رحیمیان، قم، اسراء، ۱۳۸۸ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، ج ۱۱، تحقیق سعید بندعلی، قم، اسراء، ۱۳۸۷ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، ج ۱۲، تحقیق محمدحسین الهی‌زاده، قم، اسراء، ۱۳۸۸ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، ج ۱۵، تحقیق عبدالکریم عابدینی، قم، اسراء، ۱۳۸۸ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، ج ۱۹، تحقیق سعید بندعلی و عباس رحیمیان، قم، اسراء، ۱۳۸۹ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، ج ۲، تحقیق علی اسلامی، قم، اسراء، ۱۳۸۹ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، ج ۴ و ۵، تحقیق احمد قدسی، قم، اسراء، ۱۳۸۹ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، ج ۹، تحقیق حسن واعظی محمدی، قم، اسراء، ۱۳۸۸ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *حماسه و عرفان*، تحقیق محمد صفایی، قم، اسراء، ۱۳۸۴ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *روابط بین الملل در اسلام*، تحقیق سعید بندعلی، قم، اسراء، ۱۳۸۸ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *شکوفایی عقل در پرتوی نهضت حسینی*، تحقیق سعید بندعلی، قم، اسراء، ۱۳۸۸ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *فطرت در قرآن*، تحقیق محمدرضا مصطفی‌پور، قم، اسراء، ۱۳۸۴ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *ولایت فقیه*، تحقیق محمد محرابی، قم، اسراء، ۱۳۸۹ ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ ق.
- حجازی، محمد محمود، *تفسیر الواضح*، ج ۱، بیروت، دار الجیل جدید، ۱۴۱۳ ق.
- حسینی شیرازی، *تقریب القرآن الی الأذهان*، ج ۱، بیروت، دار العلوم، ۱۴۲۴ ق.
- حسینی همدانی، سید محمدحسین، *انوار درخشان*، ج ۲، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران، لطفی، ۱۳۸۰ ش.
- خدّوری، مجید، *جنگ و صلح در قانون اسلام*، ترجمه غلامرضا سعیدی، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۸ ش.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین، صدرحاج سیدجوادی، کامران فانی و مهدی محقق، *دائرة المعارف تشیع*، ج ۵، تهران، نشر شهید سعید محبّی، ۱۳۷۵ ش.
- خطیب، عبدالکریم، *تفسیر القرآنی للقرآن*، ج ۱، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- خویی، ابوالقاسم، *التنقیح فی شرح العروة الوثقی*، تقریر میرزا علی تبریزی غروی، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، ۱۴۲۸ ق.
- دروزه، محمدعزت، *تفسیر الحدیث*، ج ۱، قاهره، دار احیاء الکتب العربی، ۱۳۸۳ ق.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، بی جا، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.
- روحانی، سید صادق، *فقه الصادق*، ج ۱۳، قم، آیین دانش، ۱۳۹۲ ش.
- شهید ثانی، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیه*، ج ۱، قم، مؤسسه گنج عرفان، ۱۴۲۳ ق.
- صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، ج ۳، قم، فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
- صالحی نجف آبادی، نعمت الله، *جهاد در اسلام*، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲ ش.
- طالقانی، سید محمود، *پرتویی از قرآن*، ج ۲، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۲ و ۱۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، ج ۷، مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران، ناشر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الامامیه*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۲ ق.
- عاملی، علی بن حسین، *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز*، ج ۱، تحقیق شیخ مالک محمود، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۳ ق.
- عبده، محمد، رشیدرضا، *تفسیر المنار*، ج ۱۰، مصر، هیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۹۹۰ م.
- فضل الله، سید محمدحسین، *من وحی القرآن*، ج ۴، بیروت، دار الملائک، ۱۴۱۹ ق.
- قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس های از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
- قرشی، سید علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، ج ۱، تهران، بعثت، ۱۳۷۷ ش.
- قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، ج ۵، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ج ۳، ۱۳۷۱ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۵، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- گنابادی، سلطان محمد، *بیان السعادة فی مقامات العبادة*، بیروت مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۸ ق.
- مراغی، احمد، *تفسیر المرائی*، ج ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- مروارید، علی اصغر، *سلسلة البناهیة الفقهیة*، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، الدار الإسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
- مصطفوی، حسن، *تفسیر روشن*، ج ۳، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، ج ۲، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- نجفی، یوسف و حمزه علی بهرامی، «گستره مفهوم جهاد به مثابه قتال در اندیشه سید قطب و علامه طباطبایی»، *مطالعات تفسیری*، شماره ۳۰، ص ۱۲۸ - ۱۱۱، قم، دانشگاه معارف اسلامی، ۱۳۹۶ ش.